

نقش سرمایه کارآفرینی و اقتصاد خلاق در توسعه منطقه ای (با چشم انداز سرمایه فکری)

عزیزی محمد ۱ - ترکاشوند حسین ۲

۱- استادیار دانشگاه تهران m_azizi@ut.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری کارآفرینی دانشگاه آزاد قزوین Torkashvand_h@yahoo.com

چکیده:

فرآیند کارآفرینی از نظر ادبیات توصیفی یک پدیده چند بعدی و پیچیده است. بیشتر چارچوب های مفهومی از این دیدگاه دفاع می کنند که کارآفرینی یک تابعی از فرصتها و ویژگی های فردی کارآفرین است. دیدگاه نوین مبتنی بر دانش بیان می کند که کارآفرینی را باید به عنوان یک تابعی از دانش و نگرش دانست. بر اساس همین رویکرد یک فاکتور تاثیر گذار بر کل فرآیند کارآفرینی، فرصت و ویژگی های فردی عامل دانش است که به عنوان مهمترین سرمایه کارآفرینی محسوب می شود. از طرفی در اقتصاد جهانی که در حال تحول است خیلی از مناطقی که از نظر دارایی های سنتی مانند زمین ارزان، نیروی کار ارزان و منابع طبیعی تا کنون بهره می بردند در بازار رقابتی کنونی تحت فشار قرار گرفته اند و در مقابل مناطقی که بر شکل جدیدی از دارایی ها مانند مهارت ها، شرکت های نوآورانه، امکانات شیوه زندگی، دارایی های فرهنگی، و سرمایه های فکری که در خلاصه می توان آن را اقتصاد خلاق نامید تاکید می نمایند موفق تر هستند. در این مقاله به بررسی نقش سرمایه کارآفرینی و اقتصاد خلاق (که بر پایه سرمایه فکری شکل گرفته است) در توسعه منطقه ای اشاره دارد و چارچوبی را برای توسعه منطقه ای مبتنی بر دانش ارائه می دهد. در رقابت جهانی اقتصاد، رمز موفقیت جوامع در برقراری پیوند مناسب بین کارآفرینی بر پایه دانش، سرمایه فکری و توسعه منطقه ای است که چارچوب آن بیان می گردد. از طرف دیگر اقتصاد خلاق هم ارتباط تنگاتنگی با توسعه منطقه ای دارد و اقتصاد خلاق را می توان یکی از خروجی های کارآفرینی بر پایه دانش و سرمایه فکری دانست. کارآفرینی یک رشته با یک نظریه مبتنی بر دانش است که اگر بر اساس چشم انداز سرمایه فکری که از محرک های اصلی فعالیت های کارآفرینی مبتنی بر دانش در یک منطقه می باشند شکل بگیرد می تواند دارایی های نهفته را فعال و در نهایت به توسعه منطقه ای منجر خواهد شد.

کلمات کلیدی: سرمایه کارآفرینی - اقتصاد خلاق - سرمایه فکری - توسعه منطقه ای

مقدمه:

مفهوم سرمایه کارآفرینی: مجموعه عوامل منطقه ای یا فضای کسب و کار در یک منطقه که کارآفرینان را جهت سرمایه گذاری ریسک پذیر و راه اندازی یک کسب و کار جدید جذب می نماید. عواملی مانند محیط منطقه ای (فرهنگ کسب و کار، نهاد های حمایتی و موانع محیطی کسب و کار...) شبکه های رسمی یا غیر رسمی در سطح گروه، تیم یا سازمان، قوانین و فاکتورهایی که باعث نوآوری می شود زمینه توسعه کارآفرینی را تعیین می کنند. (۴)

تعریف آنکتاد (کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل) از اقتصاد خلاق: "اقتصاد خلاق" یک مفهوم در حال تکامل مبتنی بر دارایی های خلاق است که می تواند موجب رشد و توسعه اقتصادی باشد. می تواند تولید درآمد و ایجاد شغل کند و درآمد های ارزی کشورها (حاصل از صادرات) را افزایش دهد، در حالی که به تنوع فرهنگی و توسعه ای انسانی نیز کمک می کند. جنبه های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در تعامل با فناوری، مالکیت معنوی و اهداف گردشگری در بر می گیرد. مجموعه ای از فعالیت های اقتصادی دانش بنیان و دارای گرایش توسعه ایست که در سطوح خرد و کلان با اقتصاد کشور تعامل دارند. یک گزینه ای دست یافتنی مهم برای توسعه است که نیاز به سیاست گذاری های نوآورانه ای چند رشته ای و اقدامات بین وزارت خانه ای دارد. صنایع خلاق در قلب اقتصاد خلاق قرار دارند. (۳)

توسعه منطقه‌ای به این مفهوم است که چگونه می‌توان برای یک منطقه که ممکن است شامل چند شهر بزرگ در یک منطقه و یا چند استان و یا ایالت، برنامه ریزی داشت تا در سطح ملی و جهانی به برتری‌های نسبی مورد نظر مسئولین و سیاستمداران آن منطقه نایل شد و در این میان از توازن در پیشرفت و رشد آن منطقه بصورت همگن بهره‌مند شد. تئوریهای توسعه منطقه‌ای عمدتاً ریشه در سه شاخه علمی علوم منطقه‌ای، اقتصاد منطقه‌ای و جغرافیای تئوریک دارند. (۱)

سرمایه فکری مجموعه‌ای از دانش، اطلاعات، داراییهای فکری (Intellectual Property)، تجربه، رقابت و یادگیری سازمانی است که می‌تواند برای ایجاد ثروت به کار گرفته شود. در واقع سرمایه فکری تمامی کارکنان، دانش سازمانی و تواناییهای آن را برای ایجاد ارزش افزوده در بر می‌گیرد و باعث منافع رقابتی مستمر می‌شود. (استوارت ۱۹۹۷)

هدف این مقاله به بررسی نقش سرمایه کارآفرینی و اقتصاد خلاق (که بر پایه سرمایه فکری شکل گرفته است) در توسعه منطقه‌ای اشاره دارد و چارچوبی را برای توسعه منطقه‌ای مبتنی بر دانش ارائه می‌دهد. برای دستیابی به هدف ذکر شده از مقالات علمی معتبر به عنوان منبع استفاده شده است که نتایج و جمع بندی آنها ذکر شده است.

مفهوم کارآفرینی و عوامل موثر بر آن

از نظر (فلدمن ۲۰۰۱؛ کرو از ۲۰۰۵ و مانسن ۲۰۰۸) توصیف فرآیند کارآفرینی به عنوان یک پدیده چند وجهی و پیچیده مطرح شده است.

کارآفرینی از نظر شومپیتر (۱۹۳۴) با معرفی ترکیب جدید و تخریب خلاق شکل می‌گیرد که ترکیب جدید در زمینه (۱) ایجاد یک محصول با کیفیت جدید، (۲) ایجاد یک روش جدید تولید، (۳) افتتاح یک بازار جدید، (۴) منبع جدید تامین (۵) ایجاد یک سازمان جدید یا صنعت شامل می‌شود.

کارآفرینی از نظر کرزنر بر پایه رقابت است و کارآفرینان در پشت رفتار رقابتی است که همواره در بازار وجود دارد. برخی از نویسندگان (شین و ونکاتارمن) دفاع از یک چارچوب مبتنی بر فرصت، استدلال می‌کنند که کارآفرینی یک تابع از فرد و فرصت است. (۴) به نظر (فلدمن ۲۰۰۱) کار آفرینی در ابتدا یک رویداد منطقه‌ای است هر چند مطالعات نشان داده است که مناطق به طور یکسان در شکل گیری کارآفرینان جدید یکسان نیستند. در اقتصاد دانش بنیان حیات کارآفرینانه یک منطقه به قابلیت فعال شدن، توسعه، تقویت، مدیریت و فرایندهای دانشی فعال بستگی دارد. سرمایه مبتنی بر دانش، یک منبع از ظرفیت نوآوری منطقه‌ای را ایجاد می‌نماید که باعث می‌شود مناطق از نظر ۱- شیوه‌ای که استعدادها را حفظ می‌کنند ۲- میزان گسترده‌ای شبکه‌های اجتماعی ۳- مقیاس و کیفیت زیر ساخت‌های عمومی تفاوت داشته باشند.

حداقل ۳ رویکرد برای درک کار آفرینی وجود دارد.

(۱) رویکرد اقتصادی، که به مطالعه عملکرد کارآفرینان در اقتصاد می‌پردازد (۲) رویکرد روان شناختی که به بررسی ویژگی‌های شخصی خاص کارآفرینان می‌پردازد (۳) رویکرد اجتماعی- رفتاری که بر نقش تاثیر محیط بر ویژگی‌های شخصی کارآفرینان می‌پردازد. کارآفرینی یک علم چند رشته‌ای است و گاهی اوقات یک مفهوم فازی را شامل می‌شود.

از نظر سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) از ۳ راه فعالیت کارآفرینی اندازه گیری می‌شود.

۱- کارآفرینی شامل یک فرایند پویا که در آن شرکت‌های جدید راه اندازی می‌شود، شرکت‌های موجود در حال رشد هستند، و آنهایی که ناموفق هستند بازسازی و یا بسته می‌شوند. این رویکرد بر مفهوم تخریب خلاق شومپیتر است و توسط نرخ راه اندازی و بقا عملی گردیده است، ۲- شکل گیری شرکت جدید و یا کسب و کارهای کوچک که عمدتاً توسط حالت خود اشتغالی و یا میزان مالکیت کسب و کار مشخص می‌شود. ۳- سرانجام، کارآفرینی از طریق نوآوری شناسایی می‌شود که عمدتاً با معیار R & D اندازه گیری می‌شود.

در فرآیند کارآفرینی باید به سمت عرضه و تقاضا توجه نمود. در طرف عرضه، استعداد بالقوه کارآفرینان، تمایل، ویژگی های فردی، انگیزه و توانایی درک برای تبدیل شدن به یک کارآفرین. سطح آموزش و در دسترس بودن برنامه آموزش در سمت تقاضا، و یا "فضا برای" کارآفرینی، نیاز به وجود فرصت برای کارآفرینی، اما به همان اندازه کارآفرینان نیاز به درک فرصت برای شروع یک کسب و کار دارند. (کرزور ۱۹۷۳؛ شین و اکهارت ۲۰۰۳). و کیفیت فرصت به شرایط منطقه ای، شرایط ملی مانند رشد اقتصادی، رشد جمعیت، فرهنگ و سیاست کارآفرینی ملی دارد. بنابراین، کارآفرینی برآیندی از عوامل درون زا و جنبه های اگزوژن می باشد. مطالعات متعددی توسعه یافته اند و تجربی تست شده که نشان می دهد که:

(۱) سرمایه کارآفرینی منجر به رشد اقتصادی و اهمیتی بالاتر از اشکال سنتی سرمایه (به عنوان مثال، فیزیکی، نیروی کار) می شود.
(۲) سرمایه کارآفرینی بر R & D تاکید دارد و در دراز مدت تاثیر بیشتری بر بهره وری منطقه دارد. (۳) سرمایه کارآفرینی در تکنولوژی بالا باعث رشد بهره وری بالا می باشد.

در بحران اقتصادی کنونی کارآفرینی مورد توجه جدی قرار گرفته است آن را به عنوان به طور گسترده ای به عنوان یک جنبه کلیدی از پویایی اقتصادی بررسی می کنند (Leitao و همکاران ۲۰۱۱). در فرآیند جهانی شدن اعتقاد بر این است که توجه به کارآفرینی برای کمک به حل چالشهای جدید اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی ضروری است. دولت های ملی و سازمان هایی بین المللی مانند سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) و کمیسیون اروپا (EC) مجمع جهانی اقتصاد (WEF) تمرکز خود را بر کارآفرینی را افزایش داده اند.

(ویژگی های فردی * فرصت) = کارآفرینی

اخیرا، Ihrig و همکاران (۲۰۰۶) یک دیدگاه مبتنی بر دانش در کارآفرینی، را ارائه می دهند که کارآفرینی را می توان به عنوان یک تابعی از دانش و نگرش دانست. دانش نیروی قوی برای کشف روند کار آفرینی است ولی افرادی هستند که دانش لازم را برای سرمایه گذاری دارند ولی هرگز این کار را انجام نمی دهند. نگرش علاوه بر درک، شامل مطلوبیت و امکان سنجی از بعد عاطفی، فکری یک انرژی فیزیکی را به کارآفرین می دهد. در همین راستا، (Forsman 2008) موفقیت در کارآفرینی به سه فاکتور موفقیت با سه کلمه: انگیزه، توانایی، و فرصت بستگی دارد. تشخیص فرصت مهم ولی بکارگیری و تجاری سازی فرصت مهمتر است، که دانش یک فاکتور غالب در این فرایند است که ایده های خوب را شناسایی و آنها را به کسب و کار تبدیل کرده و تولید درآمد و ارزش افزوده داشته باشد. و از طرفی ظرفیت، انگیزه، و مهارت های بهره برداری از فرصت ها برای راه اندازی کسب و کار بسیار مهم است که با نگرش در ارتباط است. (۴)

(نگرش، دانش) f = کارآفرینی

جهانی شدن باعث تغییر عمیق در ساختار اقتصادی کشورها، مناطق، شهرستانها، صنایع، و شرکت ها شده است. دانش شامل نه تنها علم و فن آوری بلکه عامل نیاز برای ایجاد ارزش اقتصادی است. ما در حال کمک به یک تغییر از یک مدیریت اقتصاد به اقتصاد کارآفرینی در کشورهای OECD و در حال توسعه کشورها هستیم. (۴)

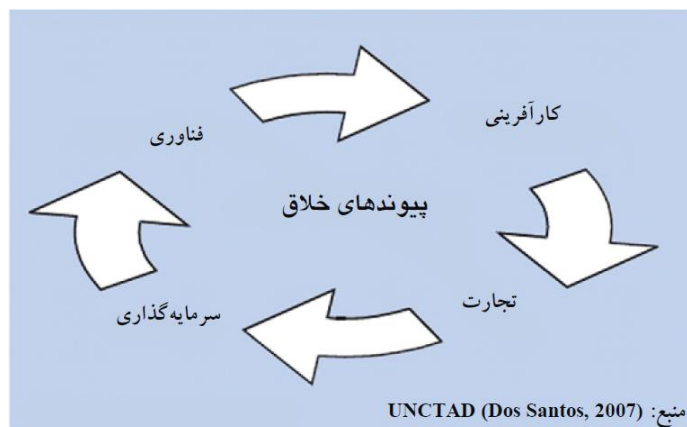
اقتصاد خلاق:

اصطلاح "اقتصاد خلاق" نخستین بار در سال ۲۰۰۱ در کتاب جان هاوکینز درباره ی رابطه ی بین خلاقیت و نظام اقتصادی پیدا شد. هاوکینز از واژه ی "اقتصاد خلاق" در معنایی گسترده بهره می گیرد، به طوری که ۱۵ شاخه ی صنعت خلاق، از هنر تا زمینه های

گسترده‌تر علم و فناوری را شامل می‌شود. به نظر هاوکینز دو نوع خلاقیت (به معنای قابلیت آفرینش) وجود دارد: یکی خلاقیت فردی است، و دیگری خلاقیت صنعتی؛ و آن چه در اقتصاد خلاق مدرن اهمیت دارد، خلاقیت صنعتی است که جامعه باید آن را در فرآیند توسعه‌ی خود ایجاد کند. (۳)

به هر حال تعریف واحدی از "اقتصاد خلاق" وجود ندارد. این یک مفهوم ذهنی است که هنوز در حال شکل‌گیری است. آن چه می‌بینیم، یک همگرایی فزاینده حول یک گروه محوری از صنایع خلاق و تعامل‌های کلی‌شان چه در سطح کشورهای منفرد و چه در سطح بین‌المللی است. از این روند چنین بر می‌آید که مفهوم "اقتصاد خلاق" طی ۱۰ سال گذشته در چند مسیر تکامل یافته است. نخست، به عنوان ابزار جلب توجه همگان به نقش "خلاقیت"، چونان یک نیروی اساسی و قدرتمند در زندگی اقتصادی امروز؛ و درک این نکته که که توسعه‌ی فرهنگی و اقتصادی دو پدیده‌ی جدا از هم یا نامرتبط نیستند، بلکه بخشی از یک فرایند بزرگ‌تر "توسعه‌ی پایدار" به شمار می‌روند که در آن هم رشد اقتصادی و هم رشد فرهنگی به گونه‌ای در هم تنیده اتفاق می‌افتند. اندیشه‌ی اقتصاد خلاق، به ویژه در جهان در حال توسعه، نگاه‌ها را به سمت دارایی‌های خلاق و منابع ثروت فرهنگی معطوف می‌کند که در همه‌ی کشورهای در حال توسعه به وفور وجود دارند. اقتصاد خلاق نقش موثری در ارتقای تنوع فرهنگی و توسعه‌ی انسانی ایفا می‌کند. اقتصاد مبتنی بر دانش بر ابعاد رشد اقتصادی منطقه تمرکز دارد. همچنین دیدگاه توسعه‌ی ای از خارج به داخل تمرکز پیدا نموده است در این زمینه بر نقش شرکت‌ها دانشگاه‌ها و نهادهای دولتی در رشد اقتصادی تاکید شده است که در زمینه تشکیل استارت‌آپ‌ها و تجاری‌سازی ایده‌ها تاکید دارد. در عصر دانش منبع اصلی رونق اقتصادی و رشد جزء دارایی‌های نامشهود است. آنها نقش مهمی در رقابت ایفا می‌نمایند. منابعی مانند سرمایه‌فکری به عنوان عامل بسیار مهم در درک رشد منطقه‌ای است. (۳)

اگر چه دانش منبع نوآوری و رقابت در سطح منطقه‌ای و محلی است اکثر مطالعات بر دانش به صورت جداگانه تاکید داشته‌اند. ارتباط عناصر خلاق در شکل ۱ ذکر شده است.



شکل ۱- ارتباط میان عناصر خلاق

پیش‌رانی‌های مهم اقتصاد خلاق در سطح جهان

پیش‌ران‌های مهمی که موجب رشد خارق‌العاده‌ی صنایع خلاق در سطح جهان اند را می‌توان در موارد زیر دانست. ۱- فناوری: هم‌گرایی فناوری‌های چندرسانه‌ای و ارتباطات راه دور به یکپارچگی ابزارهایی انجامیده که از طریق آن‌ها محتوای خلاق تولید، توزیع، و مصرف می‌شود؛ و در عین حال شکل‌های جدیدی از بیان هنری و خلاق را نیز پدید آورده است. ۲- تقاضا: رشد تقاضا برای محصولات خلاق نیز یک پیش‌ران مهم رشد اقتصاد خلاق بوده است. پشت این فشار تقاضا، چندین فاکتور نهفته است. نخست، ظهور درآمدهای واقعی در کشورهای صنعتی، تقاضا برای محصولات وابسته به درآمد از جمله کالاها و خدمات خلاق را بالا برده است. یک فاکتور دیگر که به روند رشد اقتصاد خلاق کمک می‌دهد، الگوهای متغیر مصرف فرهنگی است ۳- گردشگری: رشد بی‌وقفه‌ی

گردشگری در سطح جهان طی سال های اخیر به رشد صنایع خلاق که کالاهای خلاق و خدمات فرهنگی را به بازارهای جهانگردی عرضه می کنند، کمک کرده است .

ابعاد چندگانه ی اقتصاد خلاق

اقتصاد خلاق یک بعدی نیست، بلکه ابعاد فراوانی دارد و از چندین راه به توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها کمک می کند. ۱- جنبه های اقتصادی از منظر اقتصادی، تجارت جهانی یکی از مولفه های کلیدی اقتصاد خلاق است. به گزارش آنکتاد، تجارت جهانی محصولات صنایع خلاق طی سال های اخیر به سرعت افزایش یافته است. ۲- جنبه های اجتماعی اشتغال زایی را می توان از مهم ترین پیامدهای اجتماعی توسعه ی صنایع فرهنگی دانست. اقتصاد خلاق می تواند یک نقش کاتالیزوری در افزایش توازن جنسیتی در محیط کار خلاق، به ویژه در کشورهای در حال توسعه ایفا کند. کیفیت شغل هایی را که ایجاد می کند زیاد است. ۳- جنبه های فرهنگی اهمیت به ارزش فرهنگی است که ارزش اقتصادی را به دنبال می آورد و باعث می شود کالاهای فرهنگی برای افراد، در اقتصاد و در جامعه ارزش های متفاوتی داشته باشند. از دیدگاه سیاستی، خلق ارزش فرهنگی امری است که به موازات خلق ارزش اقتصادی از طریق راه اندازی صنایع خلاق دنبال می شود، و نهایتاً در خدمت اهداف فرهنگی جامعه قرار می گیرد که به موازات اهداف اقتصادی دولت پیگیری می شوند .

هم چنان که فرایندهای "جهانی شدن" به پیش می روند، ارزش تنوع فرهنگی بیش از پیش آشکار، و نقش صنایع خلاق در ارتقای آن با وضوح بیش تری شناخته می شود.

توسعه منطقه ای پایدار و اقتصاد خلاق

مفهوم توسعه منطقه ای این است که چگونه می توان برای یک منطقه که ممکن است شامل چند شهر بزرگ در یک منطقه و یا چند استان و یا ایالت، برنامه ریزی داشت تا در سطح ملی و جهانی به برتری های نسبی مورد نظر مسئولین و سیاستمداران آن منطقه نایل شد و در این میان از توازن در پیشرفت و رشد آن منطقه بصورت همگن بهره مند شد. تئوریهای توسعه منطقه ای عمدتاً ریشه در سه شاخه علمی علوم منطقه ای، اقتصاد منطقه ای و جغرافیای تئوریک دارند (۵)

اقتصاد خلاق در حال رشد است و به طور کلی رشد اشتغال در صنایع خلاق به مراتب بیش از هر شاخه ی دیگری در اقتصاد بوده است. در بسیاری از کشورهای پیشرفته، اقتصاد خلاق در حال حاضر به عنوان یک بخش پیشران در رشد اقتصادی، اشتغال و تجارت شناخته شده است. انبوهی از استعدادهای خلاق در کشورهای در حال توسعه وجود دارند که نامکشف باقی مانده اند، و لایه های مهمی از سرمایه های فرهنگی غیرمادی که می توانند دست مایه ی تولید کالاها و خدمات خلاق برای بازارهای داخلی و خارجی باشند، به طور کامل مغفول مانده اند. به بیان دیگر، کشورهای در حال توسعه عموماً چنان در اکتشاف و استخراج معادن و منابع طبیعی خود برای افزایش صادرات مواد اولیه یا گسترش کالاهای کارخانه ای غرق شده اند، که کشف و بهره برداری از منابع و معادن فرهنگی لایزال خود را از طریق صنایع خلاق به کلی از یاد برده اند. الگوهای توسعه ی مبتنی بر نظریه های اقتصادی سنتی، در پاسخ گویی به این تحولات شکست خورده اند. بنابراین، بایستی به سراغ رویکردهای تازه ای رفت که مبتنی بر سیاست گذاری های چندرشته ای باشد، و در نهایت به سیاست گذاری های یک پارچه ختم شود.

صنایع خلاق به توسعه ی پایدار نیز کمک می کنند. روزه روز بیش تر آشکار می شود که مفهوم "پایدار ی" بسی گسترده تر و فراتر از حفظ محیط زیست است. از آن جا که ماده ی اولیه ی فعالیت های خلاق بیش تر از ذهن افراد می تراود تا از منابع طبیعی مانند معدن یا زمین، پرواضح است که کاشت و داشت محصولات خلاق معمولاً لا نیازی به زیرساخت های صنعتی سنگین و آلاینده های محیط زیست ندارد . سرمایه ی فرهنگی محسوس و نامحسوس یک جامعه، یک ملت، یا یک ناحیه از دنیا چیزی است که بایستی برای

نسلهای آینده محفوظ بماند؛ درست مانند منابع و اکوسیستم هایی که نیازمند نگه داری اند تا بقای زندگی انسان روی سیاره ی زمین تضمین شود. تمامی سیاست هایی که هدف آن ها توسعه ی صنایع خلاق باشد، اصولاً تعارضی با اهداف زیست محیطی ندارند. (۳) ابعاد توسعه ای اقتصاد خلاق در شکل ۲ ذکر شده است.



شکل ۲- ابعاد توسعه اقتصاد خلاق

سرمايه فكري :

سرمايه فكري يکي از مباحث مطرح در حوزه هاي مختلف تجاري و علمي از جمله در حوزه ي فناوري است. اين سرمايه را مي توان متشکل از منابع نامشهود و پنهان ، اصول ، فرهنگ ها و الگوهاي رفتاري ، قابليت ها و توانايي ها ، ساختار ها ، ارتباطات ، فرآيند ها و پردازش هاي منجر به دانش يا نتيجه شده از آن دانست .

اقتصاد امروز اقتصاد دانش بنيان و مبتني بر سرمايه فكري است که محصولات اين اقتصاد، دانش و اطلاعات هستند (چوپاني و همکاران، ۱۳۹۱). امروزه، دارايي هاي نامشهود مانند مهارت هاي کارکنان، نرم افزارها، برندهاي تجاري و ارتباط با مشتري به عنوان سرمايه فكري طبقه بندي مي شوند (Ghorbani, Mofaredi, Bashiriyani, 2012)

از نظر ماوردیس و والتالیس (۲۰۱۲) سرمايه فكري عبارت است از مجموع سرمايه هاي انساني، ساختاري و سرمايه ارتباطي که سرمايه هاي ارتباطي و ساختاري به طور عمده جزو سرمايه مشهود و آشکار سازمان هستند، در حالي که سرمايه انساني جزو سرمايه ناملموس و ضمنی سازمان است. (Mesa, 2010)

سرمايه فكري منبعي پر ارزش براي سازمان ها و کشور ها محسوب مي شود به طوري که امروزه شاهد اقتصادي مبتني بر اطلاعات و دانش هستيم که اساس و بنيان آن بر محور دارايي هاي نامشهود و سرمايه فكري استوار است (۱). اقتصادي که در ارزش محصولات و دست آورد هاي آن ، بيش از آن که منابع مالي و فزيکي دخیل باشند ، سرمايه هاي فكري تأثيرگذارند. اين منبع نامشهود به عنوان يکي از ارزش افزاترين منابع شرکت ها و سرمايه اي تأثيرگذار در رشد کارآفريني مطرح شده است. به همين دليل ميزان رشد و توسعه ي آن ، به سرعت در حال تبديل شدن به شاخصي براي اندازه گيري ميزان توسعه يافتگي کشورها است.

این سرمایه را به اجزای مختلفی تقسیم کرده اند، یکی از دسته بندی های موجود برای سرمایه فکری، به صورت زیر است:



شکل ۳- ارتباط اجزاء سرمایه فکری

در طول دهه گذشته سرمایه فکری نه تنها از سوی دانشگاهیان و مدیران بلکه از سوی سیاست گذاران مورد توجه بوده است. برخی تلاش ها برای عملیاتی کردن مفهوم در ادبیات پدید آمده است، سرمایه فکری به سه دسته از سرمایه انسانی (HC)، سرمایه ساختاری (SC)، و سرمایه رابطه ای (RC). طبقه بندی شده است

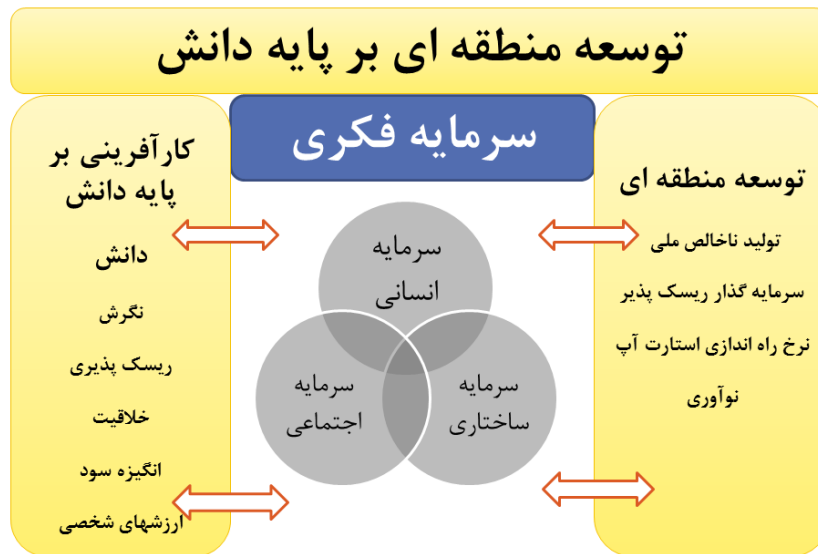
سرمایه فکری یک ملت شامل مقادیر نامشهود از توانایی و منابع بالقوه افراد، شرکت، نهادها، جوامع، و مناطق که برای ایجاد ثروت است، که به عنوان یک دارایی نامشهود است. سرمایه فکری شامل ۳ جزء است.

۱- سرمایه انسانی: سرمایه انسانی شامل دانش، استعدادها و مهارت ها و تجربه افراد، اخلاق، رفتار را شامل می شود که مطالعات نشان می دهد با رشد و همچنین کارآفرینی و کسب و کار در مناطق مختلف رابطه مستقیم دارد البته آموزش و تجربه ۲ فاکتور مهم در سرمایه انسانی هستند به صورتی که آموزش استعداد بالقوه را شناسایی می کند و بکارگیری تجربیات باعث کار مولد می شود.

۲- سرمایه ساختاری: سرمایه ساختاری مربوط به زیرساخت های مرتبط با فرهنگ منطقه، تاریخ، نگرش ها، هنجارها، ارزش ها، رفتارها، تصویر، و دیگر ابعاد فرهنگی مشخص سیستم های منطقه ای است

۳- سرمایه اجتماعی: شامل دارایی هایی دانشی که در نتیجه مبادلات پیچیده پویا بین افراد، گروه ها، و یا سازمان به صورت فردی یا اجتماعی با در نظر گرفتن عوامل محسوس (پول، کالا، ساختمان ها، زیرساخت) و عوامل نامحسوس مانند (فرآیندهای شناخت، هوش، فرهنگ، ارزش ها، و احساسات) شکل می گیرد (۴)

ارتباط بین کارآفرینی بر پایه دانش، سرمایه فکری و توسعه منطقه ای در شکل ۴ ذکر شده است.



شکل ۴ - چارچوبی برای توسعه منطقه ای مبتنی بر دانش

نتیجه گیری:

در رقابت جهانی اقتصاد رمز موفقیت جوامع در برقراری پیوند مناسب بین کارآفرینی بر پایه دانش، سرمایه فکری و توسعه منطقه ای است که چارچوب آن بیان گردید. از طرف دیگر اقتصاد خلاق هم ارتباط تنگاتنگی با توسعه منطقه ای دارد و اقتصاد خلاق را می توان یکی از خروجی های کارآفرینی برپایه دانش و سرمایه فکری دانست. به رغم چشم اندازهای نوید بخش برای رشد اقتصاد خلاق در میان کشورهای درحال توسعه، مشکلاتی نیز وجود دارد. بسیاری از فرصت ها برای خلق ثروت، توسعه ی اشتغال، بهبود فناوری و توسعه ی بازار در بخش های خلاق در کشورهای درحال توسعه به دلیل موانعی مانند نبود سرمایه، نبود مهارت های کارآفرینی و کافی نبودن زیرساخت ها برای حمایت از رشد صنایع خلاق، عملا می سوزند. در نتیجه، دستیابی کشورهای در حال توسعه به مزایای مشارکت در اقتصاد خلاق جهانی دشوار می شود. در شرایط جهانی شدن و جهان رقابتی توانایی جذب و حفظ سرمایه های فکری باعث برنده شدن می شود. لذا امروزه مناطق باید بیشتر از قبل برای یادگیری مهارت ها و صلاحیت ها در یک فرایند توسعه بر مبنای دانش منطقه ای تلاش نمایند و در همین زمینه از منابع دانش جهانی هم بهره می گیرند. کارآفرینی یک رشته با یک نظریه مبتنی بر دانش است که بر اساس چشم انداز سرمایه فکری، که از محرک های اصلی فعالیت های کارآفرینی مبتنی بر دانش در یک منطقه است می تواند با شناسایی و انتقال دانش اثر بخش داری های نهفته را فعال نمود و در نهایت به توسعه منطقه ای منجر خواهد شد.

منابع:

- ۱ - جلیل خاوندکار ، احسان خاوندکار ، افشین متقی - سرمایه فکری ؛ مدیریت ، توسعه و مدل های سنجش - مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران - تابستان ۱۳۸۸
- ۲- طوطی فر طهران پور محمد مهدی ، ضیاء بابک، تأثیر سرمایه فکری بر نوآوری کسبوکارهای کوچک ورزشی استان تهران، مجله توسعه کارآفرینی ، ۱۳۹۳
- ۳- مرضیه کیقبادی، مرضیه فخرایی، سیده سارا علوی، سید عبدالمجید زواری، شناخت صنعت فرهنگی، اندیشکده صنعت و فناوری (آصف) ، ۱۳۸۷
- 4- Maria Rosario Cabrita , Cristina Cabrita , Florinda Matos and Maria del Pilar Munoz Duenas, Entrepreneurship Capital and Regional Development: A Perspective Based on Intellectual Capital , Springer International Publishing Switzerland 2015
- 5- http://www.lansstyrelsen.se/lst/persiska/regional_utveckling.html